

ای یاران عبدالبهاء هر چند مدتیست که بواسطه قلم و مداد با شما گفتگوئی ننمودم ولی در عالم روح و فؤاد همیشه بیاد یاران جمال ابهی مألوف بودم دمی فراموش ننمودم و نفسی نیاسودم بلکه در نهایت تضرع و ابتهال بودم که آن احبای رحمانی و دوستان الهی از ملال جسمانی و روحانی در جمیع شئون و احوال محفوظ و مصون باشند و موفق بآن گردند که بگفتار و رفتار و کردار بر ابرار و اشرار هر دو ثابت و محقق گردد که این حزب مظلوم مفتون جمال ابهی هستند و منجذب نفعات قدس از افق اعلیٰ زیرا این بیان و تبیان و خلق و خوی و روش و سلوک و فضائل و کمالات از فیوضات نور قدم و اشراقات اسم اعظم است مقصد آنست که حقیقت انسانیه باید مانند آئینه از شعاع آفتاب حقیقت روشن باشد و الا سنگ سیاهی و ظلمت اندر ظلمت است و شعاع شمس حقیقت عرفان است ایمانست ایقانست اطمینانست انجذاب است التهاب است و استمرار در نشر نفعات است ای یاران الهی ایام بسرعت اتمام یابد مالک و مملوک گمنام گردد نه اثری نه ثمری نه برگی نه شکوفه ئی جمیع مظهر هل اتی علی الانسان حین من الدهر و لم یکن شیئا مذکورا گردند مگر نفوسی که بکلی از نفس و هوی بیزار شدند و مطلع انوار هدی گشتند مهبط اسرار شدند و سر حلقه ابرار گردیدند آنان مانند نجم زاهر از افق حقیقت تا ابد الابد باهرند پس بکوشید تا از صهباء استقامت کبری بنوشید و بنهایت قوت در جمیع موارد مقاومت اهل غفلت نمائید و لو اجتمع علیکم من علی الارض کله لا تخافوا و لا تهنوا و اعتمدوا علی اتحاد جنود من ملکوت الله راحت ایامی چند نجوئید در عاقبت نگرید ملاحظه نمائید که نتایج محموده در اعمال و اطوار چه نفوسی موجود این دقت سبب عبرت شود و انسان بحقیقت پی برد

الهی الهی هؤلاء ارقاء لک اذلاء ببابک فقراء الیک ضعفاء بین یدیک قدر لهم کل خیر و احفظهم عن کل ضیر و اجعلهم حماة حصنک الحصین و رعاة اغنامک فی تلک الاقالیم و رماة ناقض عهدک بسهام سلطان مبین و برهان عظیم و اجعلهم سرجا ساطعة بفیض النور المبین حتی یقوموا اشد القیام علی اعلاء کلمتک فی ذلک القطر السحیق رب رب هؤلاء طیور ضعاف اجعلهم نسورا فی اوج الالطاف و

صقور الفضل و الانصاف و احمهم من الاعتساف انک انت القوی الوهاب و انک
انت العزيز المهيم المتعال